

## تغییر در سیاست منطقه

ایالات متحده عرب و پاکستان از جمله ممالک بودند که نظام امارتی طالبان را در افغانستان به رسمیت می شناختند امروز هم طالبان از حمایت و پشتیبانی قاطع و کمک این دو کشور برخوردار میباشند به خصوص کمک فزیکه ISI که تا کنون هم سران طالبان را در پاکستان از خطر حملات طیارات بیرون سر پیلویت امریکائی گاه در یک محل و گاه هم در محل دیگر پنهان می کند. اما سیاست منطقه این دو کشور را طور مجبور ساخته است تا این حلقه را که چندین سال برای حفظ منافع خود بالای آنها کار و سرمایه گذاری کرده است نسبتاً از دست بدهد.

قدرتمند شدن ایران و دست رسی نزدیک این کشور به صلاح اتمی عربستان سعودی را از یک طرف ، همچنان پشتیبانی جامعه جهانی در مورد افزایش نیرو های نظامی در افغانستان و خارج شدن تدریجی نیرو های خارجی از افغانستان پاکستان را از طرف دیگر ، به همین ترتیب نفوذ طالبان و القاعده به سرحدات آسیای مرکزی روسیه را یک بار دیگر به مشکل روبرو ساخته است.

عربستان سعودی از جمله کشورهای در منطقه است که هیچ گاه و به هیچ قیمت ایران را مسلح با صلاح اتمی در خلیج که بر علاوه امارات متحده عرب، عربستان سعودی را نیز به صورت جدی تهدید کرده میتواند نمی پذیرد. از طرف دیگر پاکستان مبنی بر افزایش نیرو های نظامی و خروج تدریجی ناتو و امریکا از افغانستان تشویش دارد، رئیس جمهور پاکستان این تشویش های خود را در یک گفتگو رویا رویی که با هالبروک نماینده خاص بارک اوباما برای افغانستان و پاکستان ابراز داشته تا ضمانت را از طرف امریکا در رابطه به عدم دست رسی هندوستان بر نیرو های نظامی افغانستان بعد از خارج شدن نیرو های خارجی به دست بیاورد. اما این بار پاکستان بالای ضمانت امریکا در این رابطه چندان مطمئن نیست زیرا امریکا با وجود دوستی استراتژیک که با پاکستان دارد اما هیچ گاه هم امریکا پاکستان را در رابطه به جدائی بنگلادیش از پاکستان، جنگ هند و پاکستان همچنان پیروزی مجاهدین در افغانستان و به قدرت رسیدن مجاهدین که نسبت به پاکستان متعهد به ایران و روسیه بودند حمایت و کمک نکرد بلکه این بار پاکستان به نحوه منافع خود را در افغانستان از طریق داخل کردن طالبان به دولت افغانستان حفظ خواهد کرد.

همچنان روسیه کشور است که از نفوذ دوباره طالبان به سرحدات آسیائی مرکزی نگران است و بنا بر همین نگرانی و خطر جدی، معامله را با امریکا و ناتو انجام داده که از آن به بعد ناتو انتقالات غیر نظامی خود را با استفاده از خاک روسیه انجام داده میتواند و در مقابل ناتو تعهد کرده است که ممالک داخل قلمرو شوروی سابق را به خصوص گرجستان و اوکراین را که در حال حاضر شرایط عضویت در ناتو را نسبتاً تکمیل کرده اند به حیث عضو ناتو قبول نه خواهد کرد، از طرف دیگر معامله که بین روسیه و امریکا صورت گرفته است در نتیجه آن امریکا گرجستان را بر علیه روسیه و روسیه ایران را بر علیه امریکا حمایت نه خواهند کرد. حتی روسیه قرار داد را که با ایران در ارتباط به فروش راکت های دفاعی منعقد ساخته بود انکار نموده است و از سفر وزیر خارجه امریکا به روسیه به این طرف روابط ایران و روسیه رو به سردی گرایده است و امروز این روابط تا سرحدی رسیده که وزیر خارجه ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی خود در رابطه به عدم تسلیمی سیستم دفاعی از جانب روسیه سخن زده و اظهار نموده که تسلیم نه کردن این سیستم بالای روابط روسیه و ایران اثر منفی خواهد گذاشت.

در حال حاضر چین یگانه کشور است که توانسته است در شورای امنیت سازمان ملل متحد که ریاست دوره بی این شورا را الی اول فبروری ۲۰۱۰ در دست داشت طرح های امریکا را در رابطه به ایران ویتو کند. در مقابل این حمایت چین از ایران، امریکا از فروش سلاح و تسلیحات نظامی به تایوان، و از دیدار نزدیک بارک اوباما با رهبر تبعید شده تبیت سخن میزند. و امریکا میخواهد معامله مشابهه را که با روسیه در رابطه به گرجستان، اوسیتینیایی شمالی ، و اپخازیا نمود این بار چنین یک معامله را با چین به وسیله فروش سلاح و تسلیحات نظامی به تایوان را انجام خواهد داد تا از این طریق بتواند طرح های خود را مبنی بر صلاح اتمی ایران در شورای امنیت به درستی و بدون تشویش به تصویب برساند.

در نتیجه مذاکره با طالبان و کشاندن ایشان را به میز مذاکره این بار تنها خواست دولت افغانستان نبوده بلکه تغییر در سیاست های منطقه و معامله گری های ممالک بزرگ در منطقه میباشد.

این تغییر نتیجه استراتژی اداره اوباما در رابطه به افغانستان و منطقه میباشد نه ابتکار دولت افغانستان و کشور های منطقه، زیرا دولت افغانستان از سال ۲۰۰۱ به این سو که حمایت بزرگ اداره بوش و جامعه جهانی را با خود داشت نه توانست به چنین یک فرصت دست یابد و چنین یک سیاست را در پیش گیرد تا ممالک منطقه بالای آن قانع گردیده و فرصت که امروز دولت افغانستان را دست داده است از قبل بر آن نائیل میگردد.

پس امریکا فورمول را در ارتباط جنگ افغانستان و خصوصاً حل مسئله اتمی ایران که تا به حال از طریق دیپلماسی های چندین جانبه حل نه گردیده است کامیاب به نظر میرسد زیرا کشور های که موسس رژیم طالبان در افغانستان بودند امروز به سرحد رسیده اند که این بار برای حفظ منافع عالیای کشور های شان و دور کردن خطر نفوذ هند در افغانستان و همچنان یک طرفه کردن مسئله اتمی ایران بالای طالبان معامله کنند. اما این معامله شان به منظور گم کردن طالبان از افغانستان نبوده بلکه معامله شان بالای حضور سیاسی طالبان در دولت افغانستان است تا از این طریق هم منافع خود را در افغانستان حفظ نمایند و جانب دیگر خطر صلاح اتمی ایران را از میان بردارند. ولی در رابطه به طالبان که با دولت افغانستان مذاکره میکنند و احتمال آن را هم دارد که وارد نظام سیاسی افغانستان گردد روابط خود را با دولت های موسس شان و سازمان جهانی القاعده به واقعیت قطع می کنند تضمین وجود ندارد. و اینکه دولت افغانستان به کدام نسبت میتواند از این تغییر استفاده فوق العاده را نماید سوال است که مربوط به سیاست دولت مردان افغانستان میگردد.

کابل-افغانستان  
۱۹ دلو ۱۳۸۸